

نگاهی به وضعیت مذهبی ایالت پارس در دوره ساسانی

دکتر طاهره عزیزی پور

استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

tazizipoor@yahoo.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۷)

چکیده:

ایالت پارس در دوره ساسانی یکی از ایالت‌های مهم به حساب می‌آمد. ساسانیان از این منطقه برخاسته بودند. اردشیر بنیانگذار سلسله ساسانی قبل از رسیدن به امپراطوری تولیت معبد آناهیتا در شهر استخر را داشت. شاپور اول در کتیبه خود در کعبه زردشت هنگام نگارش ایالات تابعه خود نام فارس را در مرتبه نخست می‌آورد. از نظر جغرافیایی سرزمین پارس در روزگار ساسانی بیشتر کران خلیج فارس از جزیره کیش در مشرق تا رود جراحی در مغرب را در بر می‌گرفت. فارس از سمت شمال به بیابان خراسان و از سمت جنوب به دریای پارس محدود می‌شده است. این ایالت حتی قبل از ساسانیان یکی از مراکز مهم زردشتی بود. با به قدرت رسیدن ساسانیان این اهمیت فزونی یافت و آتشکده‌های بسیاری ساخته شد. آتشکده آذرفرنبغ در فارس یکی از سه آتشکده مهم ساسانیان است. ثروت و اعتبار فراوان آتشکده‌های فارس باعث فزونی قدرت مغان در این ایالت شده بود؛ به گونه‌ای که از زمان شاپور دوم به بعد شاه با انجام اقداماتی سعی کرد که از قدرت مغان فارس بکاهد. گذشته از زردشتیان، مسیحیان و به تعداد کمتر یهودیان نیز در دوره ساسانی در فارس زندگی می‌کردند. اما حضور آنها در مقابل حضور پررنگ زردشتیان چندان به چشم نمی‌آید. ما در این پژوهش تلاش می‌کنیم تا بر اساس منابع مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی به بازنگری وضعیت مذهبی ایالت پارس در دوره ساسانی بپردازیم.

واژگان کلیدی: ایران، دوره ساسانی، ایالت پارس، مذهب، زردشتی

مقدمه

بین شهرهای متعددی که اردشیر ساخت سه شهر را اردشیر خوره^۱، رام اردشیر و ریو اردشیر در فارس قرار دارند (طبری، ۱۳۶۲، ج ۱: ص ۶۰۴).

دومین پادشاه ساسانی شاپور نیز توجه ویژه ای به فارس مبذول داشت. او شهر بیشاپور را در فارس ساخت و چندین نقش برجسته نیز در این ایالت از خود برجای نهاد. توجه ساسانیان به ایالت فارس همچنان تا زمان شاپور دوم مشهود است. البته توجه داشته باشیم که درگیری ها و کشمکش های شاهان اولیه ساسانی در مرزهای غربی سبب شد که فارس علی رغم اهمیت سیاسی زیادی که برای ساسانیان داشت به عنوان مهمترین مرکز سیاسی مطرح نشود. اردشیر اول تیسفون را تسخیر کرد. فردوسی حتی تاجگذاری اردشیر را در این شهر می داند (شاهنامه فردوسی، ۱۳۷۷، ص ۳۶۱، ص ۱۳۸) با این همه در طول دوره ساسانی توجهات به فارس از منظر سیاسی کمتر شد. به طوری که بعد از زمان شاپور دوم آثار تاریخی ساسانی در پارس به چشم نمی خورند و در عوض در نواحی غربی کشور ظاهر می شوند. نزاع شدید بین ایران و روم از یک طرف و ظهور مسیحیت در مرزهای غربی بویژه ارمنستان دو عاملی بودند که باعث شد محل سکونت واپسین شاهان ساسانی از فارس به مناطق غربی تغییر کند (گیریشمن، ۱۳۹۰، ص ۲۳۷) گذشته از دو عامل فوق

نویسندگان عرب و ایرانی واژه فارس را برگرفته از یک اسم خاص می دانند. ابن فقیه واژه فارس را برگرفته از نام فارس بن تهمورث می داند (ابن فقیه، ۱۳۷۹، ص ۸) و مسعودی (مسعودی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۱) از فارس به عنوان پسر یاسور فرزند سام بن نوح یاد می کند. اردشیر قبل از رسیدن به حکومت عهده دار معبد آناهیتا در شهر استخر در فارس بود. او بعد از رسیدن به پادشاهی نیز سرپرستی یا تولیت امور مالی معبد آناهیتا در استخر را در اختیار داشت (یارشاطر، ۱۳۷۳، ص ۳۶).

فارس خاستگاه و زادبوم ساسانیان بود. اردشیر طغیان خود را از فارس آغاز کرد و بزرگان پارسی را با خود متحد نمود. او با تصرف فارس حکومت خود را پایه ریزی کرد. ساسانیان خود را از اعقاب هخامنشیان می دانستند. در روزگار ساسانی یادگارهای هخامنشی همچون تخت جمشید و قبور پادشاهان هخامنشی در نقش رستم همچنان سر پا بودند. پادشاهان ساسانی حتی نقش برجسته و کتیبه هایی از خود در تخت جمشید باقی گذاشته اند (دریایی، ۱۳۹۰، ص ۹۱).

اردشیر در آتشکده استخر تاج بر سر نهاد (لوکونین، ۱۳۵۰، ص ۵۴). این سنت بعدها در زمان دیگر پادشاهان ساسانی نیز دنبال شد.

اولین پادشاهان ساسانی توجه ویژه ای به فارس نشان دادند و کاخها و آتشکده های بسیاری به فرمان این پادشاهان در فارس بنا شد. اکنون بقایای سه کاخ از دوره ساسانی در فارس قرار دارد و از ۳۱ نقش برجسته ساسانی ۲۶ نقش برجسته در فارس ایجاد شده است (واندنبرگ، ۱۳۷۹، صص ۲۲۸-۲۲۷). از

^۱ - ساخت اردشیر خوره را برخی به اردشیر نسبت می دهند. طبری می گوید: "اردشیر خوره قبل از اردشیر وجود داشته و اردشیر آن را تصرف کرد". اما چند خط پایین تر می نویسد: "این شهر خود اردشیر بنا کرد...". واقعیت این است که این شهر پیش از اردشیر نیز وجود داشته. اسکندر به آنجا حمله می کند و به تخریب آنجا می پردازد. اردشیر این شهر را بازسازی کرد و نام خود را بر آن نهاد.

نگهداری می شده است (ابن بلخی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۲). می توان تصور کرد که بخش قابل توجهی از این خزاین متعلق به آتشکده ها بوده است. یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی قبل از رسیدن به سلطنت به آتشکده استخر پناه برده بود (استخری، ۱۳۴۷، ص ۲۶۷) تا از شر کشتارهای وسیعی که در خاندان ساسانی وجود داشت در امان بماند.^۴ گذشته از اهمیت سیاسی ایالت پارس در دوره ساسانی این ایالت اهمیت مذهبی برجسته ای نیز داشته است. فارس از آغاز حکومت ساسانی تا پایان عمر این سلسله این جایگاه برجسته را حفظ کرد. معابد و آتشکده های بسیاری که از این دوره در فارس برجای مانده گواهی بر این ادعاست. البته زردشتیان تنها دینداران این ایالت نبودند و مسیحیان و یهودیان نیز در دوره ساسانی در فارس زندگی می کردند.

جغرافیای تاریخی فارس

استان فارس در جنوب ایران تا حد بسیار زیادی با ایالت پارس روزگار ساسانی انطباق دارد. البته بخشی از نواحی ایالت پارس روزگار ساسانی در جغرافیای سیاسی کنونی ایران در استانهای مجاور با استان فارس قرار گرفته اند.

خسرو انوشیروان (۵۷۹-۵۳۱ ق.م) ایران را به چهار کوست تقسیم کرد. استان فارس در این تقسیم بندی همراه با خوزستان، بحرین، اسپهان، کرمان و سکستان جزو کوست نیمروز بود و به عنوان سرزمین اصلی این کوست محسوب می شده است (امیری

باید گفت که روحانیان زردشتی در پارس زیاد از حد نیرومند شده بودند و این موضوع شاه را بر آن داشت آنها را از پایگاه سنتی شان دور کند (دریایی، ۱۳۸۳، ص ۳۶). بر اساس نوشته های طبری می دانیم (طبری، ۱۳۶۲، ص ۶۳۱) که اردشیر دوم (۳۷۹-۳۸۳ م) تعداد زیادی از مهتران و موبدان فارس را کشت.^۲ بعد از ۴ سال همین موبدان او را از سلطنت خلع می کنند و شاپور سوم را بر جای او می نشانند. از زمان اردشیر دوم تا زمان بهرام پنجم اثر چشمگیری از حضور سیاسی ساسانیان در فارس دیده نمی شود. در سروستان کاخی است که (یار شاطر، ۱۳۸۷، ص ۵۶۸) متعلق به زمان بهرام پنجم است در تاریخ طبری (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۵۴) آمده که شهرهای کازرون و ارگان در زمان قباد ساخته شده اند.^۳

چنانکه دیدیم بعد از نخستین شاهان سلسله ساسانی فارس دیگر همچون گذشته کانون توجه پادشاهان این سلسله نبوده است. اما این موضوع هرگز به این معنی نیست که فارس کاملاً اهمیت خود را از دست داده باشد. ابن بلخی به ما می گوید که در روزگار انوشیروان، پارس به همراه بلخ و مداین دارالملک اصلی بوده و خزاین بسیاری در این سه مکان

^۲ - اردشیر دوم برادر شاپور اول است که بر اساس نوشته های طبری بزرگتر از اوست. اما با این حال هرمز پدر اردشیر و شاپور وصیت کرده بود پادشاهی به شاپور برسد که هنوز از شکم مادر زاده نشده بود. اردشیر دوم توقع داشت که موبدان فارس یاری اش کنند تا بر تخت سلطنت بنشینند؛ اما آنان چنین نکردند و اینگونه شد که اردشیر کینه موبدان فارس را به دل گرفت (تاریخ طبری ج ۱- ۶۲۹)

^۳ - اکنون می دانیم که این دو شهر در زمان قباد فقط بازسازی شده اند؛ اما نکته مهم اینجاست که فارس در دوران پادشاهی قباد به دلایلی در کانون توجه پادشاهان ساسانی قرار گرفته است.

^۴ در زمانی که شیرویه شاهزادگان ساسانی را می کشت، یزدگرد سوم دایه مهربانی داشت که برای امنیت جان یزدگرد او را به استخر برد تا در پناه بزرگان پارس از آسیب مصون باشد.

وضعیت این منطقه در دوره ساسانی اطلاعاتی به دست می دهند. البته در منابع مکتوبی که از دوره ساسانی بر جای مانده و نیز نوشته های مورخان اسلامی به طور واضح اشاره ای به برتری یک ایالت از منظر سیاسی، اقتصادی و یا مذهبی نشده است با این وصف مطالعه اوضاع مذهبی فارس در دوره ساسانی به صورت جزئی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

ابن بلخی در فارسنامه (ابن بلخی، ۱۳۷۴) از آتشکده های دوره ساسانی در فارس و تاریخ پادشاهان این سلسله سخن می گوید. ابن خرداد به (ابن خرداد به، ۱۳۷۱) و ابن فقیه (ابن فقیه، ۱۳۷۹) درباره آتشکده های فارس و فراوانی آنها سخن می گویند. ابن حوقل به فراوانی آتشکده ها در فارس اشاره می کند و می نویسد که بعضی از این آتشکده ها اهمیت بیشتری داشته اند (ابن حوقل، ۱۳۴۵). طبری (طبری، ۱۳۶۲) علاوه بر آنکه به ذکر آتشکده های فارس در دوره ساسانی پرداخته از کشتار موبدان فارس به دست هرمزد اردشیر نیز سخن می گوید.

واندنبیگ در کتاب باستان شناسی ایران باستان هنگام سخن گفتن از آثار باستانی بر جای مانده از ساسانیان در فارس به معرفی و توصیف کوتاهی از آتشکده ها نیز می پردازد (واندنبیگ، ۱۳۷۹، صص ۵۹-۱۹) تورج دریایی به مطالعه وضعیت دینی در دوره ساسانی می پردازد، او به تلاشهای اردشیر در ارائه برداشتی جدید از دین زردشتی و نیز به تلاشهای شاپور دوم در کم کردن از نفوذ و قدرت مغان در فارس اشاره می کند (دریایی، ۱۳۹۰، صص ۹۹-۳۴) تلاشی که باعث شد نقش برجسته های ساسانی

(۱۳۹۱، ج ۱: صص ۲۹۸). بر اساس نظر استخری فارس از سمت شمال به بیابان خراسان و بهری از حدود سپاهان و از سمت جنوب به دریای پارس محدود می شده است (استخری ۱۳۴۷، صص ۵۹) کلیه جغرافی دانان صدر اسلام در این مرزبندی با استخری موافق بوده و همین حدود را در نوشته های خود تکرار کرده اند. اما در ارتباط با تقسیمات داخلی ایالت پارس در بین این جغرافی دانان اختلاف نظر وجود دارد. استخری (همان، صص ۹۶-۹۵) و ابن خرداد به (ابن خرداد به، ۱۳۷۱، صص ۳۸) فارس را به پنج کوره استخر، اردشیر خوره، شاپور، دارابگرد و ارجان تقسیم می کنند. اما مقدسی فارس را به ۶ کوره تقسیم می کند او علاوه بر کوره هایی که استخری و ابن خرداد به بر می شمردند به کوره شیراز نیز اشاره می کند (مقدسی، ۱۳۶۱ ج ۲، صص ۶۳۱). هر کدام از این ولایات از نظر وسعت با یکدیگر متفاوت بوده و خود به نواحی، شهرها و روستاهای کوچکتری تقسیم می شده است (بارتولد، ۱۳۰۸، صص ۲۱۰ - ۲۰۹) فارس دیاری پر آب بوده است (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲، صص ۶۶۴) استخری آب و هوای فارس را به دو بخش سردسیر و گرمسیر تقسیم می کند (استخری، ۱۳۴۷، صص ۱۱۸). مقدسی به این تقسیم بندی آب و هوای معتدل را نیز می افزاید.

پیشینه تحقیق

استان فارس در جنوب ایران از نظر تاریخی و باستان شناسی دارای اهمیت بسیار است. در دوره ساسانی این منطقه به عنوان یک منطقه مهم مورد توجه قرار گرفت. مورخان و باستان شناسان بسیاری درباره

از زمان شاپور دوم در طاق بستان ایجاد شوند. کریستن سن در کتاب ایران در زمان ساسانیان به بحث درباره ادیان موجود در سراسر قلمرو ساسانی پرداخته است. بحث او به صورت کلی است و هیچ کدام از مناطق ایران را به صورت جزئی مورد بررسی قرار نداده است. میلاد وندایی و رویا تاجبخش، اردشیر خوره را به عنوان پایتخت مذهبی ساسانیان معرفی می کنند (وندایی و تاجبخش، ۱۳۹۳، صص ۴۲-۱۰) آنها در پژوهش خود تعداد زیاد آتشکده ها در این ایالت را نشانه ای از اهمیت مذهبی این کوره در دوره ساسانی می دانند. احسان طهماسبی (Tahmasbi, 2012, 1-11) در مقاله ای به بررسی اهمیت آتشکده ها در دوره ساسانی و رابطه بین دین و دولت و موقعیت روحانیان زردشتی در میان طبقات اجتماعی مختلف در دوره ساسانی می پردازد.

بررسی وضعیت دینی ایران در دوره ساسانی

دقیقاً نمی دانیم که زردشت از چه زمانی در ایران ظهور کرده است؛ اما می دانیم که مذهب زردشتی قبل از ساسانی در ایران پیروان زیادی داشته است. اردشیر بنیانگذار سلسله ساسانی از همان ابتدا با روحانیان زردشتی متحد شد. این رابطه بین دین و دولت تا پایان دوره ساسانی استحکام داشت. اگر چه اردشیر از ابتدا بر روی سکه ها و کتیبه هایش خود را به عنوان بغ مزدا پرست معرفی می کند (دریایی، ۱۳۸۳، صص ۶۰)؛ اما تلاش کرد تا تغییراتی در دین زردشتی پدید آور. او به تنسر موبد زمان خود دستور داد که بر اساس متون و اسناد مکتوب باقی مانده و روایت شفاهی موبدان معتمد دین زردشتی را

سامان دهد. اردشیر برداشت جدیدی از دین زردشتی ارائه داد در آثاری که از ساسانیان بر جای مانده نشانه هایی وجود دارد که شاید بی ارتباط با این برداشت جدید از دین زردشتی نباشد. در نقش برجسته های ساسانی برای نخستین بار در تاریخ ایران شاه را در حالی می بینیم که تاج قدرت را از اهورامزدا می ستاند. پادشاهان هخامنشی نیز قدرت خود را از جانب اهورامزدا می دانند؛ اما آنان هرگز اهورامزدا را رو به روی خود به تصویر نکشیده اند. همزمان تلاش مشابهی در روم در حال انجام بود تا مسیحیت به قابلیت دست یابد که بتواند به عنوان یک مذهب رسمی مطرح شود. مانی در اوایل دوره ساسانی یعنی در زمان شاپور دین شاه را به خود عرضه کرد و حتی مورد پذیرش شاپور هم قرار گرفت (کریستن سن، ۱۳۸۴، صص ۱۳۲). با این وصف می توان گفت که دین زردشتی در آغاز کار ساسانیان هنوز دینی رسمی و حکومتی نبوده است. اردشیر و برخی شاهان پس از او گاه باورهای دینی را جهت مقاصد خود تغییر داده و روحانیت هم با آنها همراه می شده اند؛ اگر چه این تغییر باورهای دینی در بین برخی آگاهان به مبانی دینی زردشتی معترضینی داشته چنانچه پادشاه گیلان، اردشیر را متهم به بدعت گذاری در دین می کند (دریایی، ۱۳۸۳، صص ۶۱) اما با این حال روحانیان فارس در انجام این اصلاحات حامی اردشیر بوده اند. تلاشی که اردشیر برای ایجاد نو آوری در دین زردشتی انجام داد، با به قدرت رسیدن کرتیر با جدیت بیشتری دنبال شد. ساسانیان برای موفقیت در ارائه تصویر جدیدی از دین زردشتی نیازمند یاری موبدان بودند. کرتیر یکی از این موبدان بود. او از

داشتند. کفاره های دینی و عشریه و صدقات مردمان زردشتی عصر ساسانی عاید مغان می شد. در کیش زردشتی روزگار ساسانی معابد آتش (آتشکده ها) جایگاهی برجسته یافتند و چهار طاقی ها برای عبادت عموم مردم ساخته شدند. چهار طاقی بنای کوشک مانند گنبد داری است که از چهار طرف باز بوده و گنبد آن روی چهار پایه محکم قرار داشته است. در شاهنامه فردوسی آمده که بابک - پدر اردشیر- قبل از به قدرت رسیدن اردشیر در خواب دید که سه آتش فروزان را به دست می برد^۶ (شاهنامه فردوسی، ۱۳۷۷، ص ۳۲۴). پادشاهان ساسانی هنگام به قدرت رسیدن آتشی را وقف می کردند به غیر از اهورامزدا، میترا و آناهیتا نیز از ایزدان مورد احترام در ایران دوره ساسانی بودند (یار شاطر، ۱۳۸۷، ص ۳۰۴). دو دین یهود و مسیحیت نیز در ایران در دوره ساسانی پیروانی داشتند. اکنون سه کلیسا از دوره ساسانی در شمال غرب ایران در آذربایجان در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است (پازوکی، ۱۳۸۴). بر خلاف آیین زردشتی که آیینی بسته است، مسیحیت آیینی زنده است و پیروان آن می توانند با تبلیغ دین خود بر شمار دینداران مسیحی بیفزایند. قبل از ساسانیان چندان خبری از آزار دینی در ایران به گوش نمی رسد؛ اما در دوره ساسانی نه تنها مسیحیان، بلکه زردشتیان هم مورد تعقیب و آزار قرار می گیرند. شاید بتوان گفت که ساسانیانی که برای رسیدن به قدرت از ارائه برداشتی جدید از دین زردشتی استفاده کرده بودند، قوانین سفت و سختی در ارتباط با از دین برگشتگان وضع

زمان شاپور اول به ساخت آتشکده ها در مناطق مختلف پرداخت و مدارس برای تعلیم روحانیان باز کرد. کرتیر به مرور در دربار ساسانی جایگاهی برجسته یافت و در پایان قرن سوم م تولیت آتشکده ناهید در استخر به او رسید. وظیفه ای که پیش از این تنها در اختیار شاه بود. کرتیر در کتیبه هایش از تلاش های مذهبی خود می گوید. بر اساس نوشته ای می دانیم که در زمان او حتی بعضی از زردشتیان هم مورد تعقیب و آزار قرار می گیرند. بر این اساس شاید بتوان گفت همزمان با روی کار آمدن ساسانیان شاخه ای تازه از مذهب زردشتی پدید آمده بود و هر کس به غیر آن عمل می کرد مرتد خوانده می شد. روحانیانی که در ماد و در نزدیکی شهرری می زیسته اند در متون پهلوی به الحاد متهم شده اند (دریایی، ۱۳۹۰، ص ۹۰).

کرتیر هنگام ساختن آتشکده مغانی^۵ را نیز در آنجا به کار می گماشت. به مرور ایام روحانیت زردشتی بیشتر قدرت گرفت. آنها نه تنها وظایف دینی بلکه وظایف دولتی را هم بر عهده داشتند. در هر شهر یا ناحیه یک موبد در کنار شهر ب، اداره آن جا را بر عهده داشت. مغان گاه حتی فرمانروایی یک ایالت را هم بر عهده داشتند (کریستن سن، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱) اعتباری که مغان در جامعه عصر ساسانی داشتند باعث شد که آنان به ثروتی هنگفت دست یابند. در دوره ساسانی مردمان بدون تایید و تصدیق مغان هیچ چیزی را درست و قانونی نمی دانستند (کریستن سن، ۱۲۸، ۱۳۸۴). مغان در مراسم قربانی، ازدواج و نامگذاری فرزندان حضور

^۶ - چنین دید در خواب کاتش پرست سه آتش بر روی فروزان به دست

^۵ - مغ پایین ترین مرتبه در روحانیت زردشتی است.

است که کتاب زردشت در کوه نفشت^۷ در نزدیکی استخر نهاده شده بود (ابن بلخی، ۱۳۷۴، ص ۳۰۲) دو آتشکده ارجان و دارابگرد آتشکده های مهمی بوده اند که قبل از ساسانیان در فارس وجود داشته اند (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۰۴) مقدسی به وجود آتشی طبیعی در ارجان فارس اشاره می کند. بعید نیست که وجود این آتش طبیعی در ساخت آتشکده در این مکان تاثیر گذار بوده باشد. پیش از ساسانیان پادشاهان محلی فارس در ایالت فارس حکمرانی می کردند. بین اردشیر ساسانی و پادشاهان محلی فارس رابطه ای وجود داشته است. بر پشت سکه های پادشاهان محلی فارس تصویر آتشدان دیده می شود (سرفراز، آورزمانی، ۱۳۷۹، ص ۷۷) این تصویر پیش از این بر سکه های ایرانی مشاهده نشده بود. نه هخامنشیان و نه اشکانیان هیچ کدام بر پشت سکه هایشان از این تصویر استفاده نکرده بودند^۸. نقش آتشدان بعد ها به عنوان تصویری ثابت و نمادی از حکومت دینی و مذهبی ساسانی دیده می شود. اردشیر ساسانی در آغاز طغیان خود علیه اشکانیان بازسازی و احیای دین زردشتی را به عنوان یکی از مهمترین اهداف و شعارهای خود معرفی می کند. ما قصد بررسی درستی یا نادرستی این ادعای اردشیر را نداریم. اکنون هدف ما این است که بگوییم اردشیر ساسانی برای مشروعیت بخشیدن به خود و حکومتش از مذهب زردشتی بهره بسیار گرفت و فارس به عنوان سرزمین کانونی زردشتی بعدها در طول دوره ساسانی از دیدگاه مذهبی جایگاهی

کردند. این قوانین در جلوگیری از گسترش نفوذ مسیحیت عاملی بسیار موثر بود. مسیحیان در ایران دوره ساسانی مورد تعقیب و آزار بسیار قرار گرفتند اما ساسانیان با یهودیان که آنان نیز دینی بسته دارند روابط بهتری داشتند (دریایی، ۱۳۹۰، ص ۷۲)؛ هر چند کرتیر در کتیبه اش به دشمنی با یهودیان اشاره می کند (رجبی، ۱۳۵۰، ص ۵۶) به غیر از آیینهایی که ذکر آنها گذشت دو فرقه صابئی و فرقه مزدکیه نیز در دوره ساسانی وجود دارد. پیروان این فرق اخیر به زودی تحت تعقیب قرار گرفتند و به شدت نابود شدند. فراموش نکنیم که همزمان با دوره ساسانی علاوه بر آنکه زردشتیان به مقابله با پیروان ادیانی غیر از زردشتی می پرداختند، مسیحیان نیز چنین می کردند (کریستن سن، ۱۳۸۴، ص ۳۱۲) آنان گاه حتی با زردشتیان نیز درگیر می شدند. شاید به همین دلیل است که ما همزمان با دوره ساسانی اسم دو دین زردشتی و مسیحی را بیش از سایر ادیان می شنویم.

بررسی وضعیت ایالت پارس در دوره ساسانی

در سالهای اول اسلامی گویا به غیر از مسلمانان، زردشتیان، مسیحیان و یهودیان هم در فارس زندگی می کرده اند. اما صابئی و سامری در بین ایشان نبوده است. زردشتیان در فارس بیشتر از دیگر نقاط ایران بوده اند زیرا که مرکز فرمانروایی و ادیان و آتشکده های آنان در آنجا بوده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ص ۶۴) فارس از دوره هخامنشی اهمیت مذهبی برجسته ای داشته است. شهر استخر در فارس از روزگار هخامنشیان مرکز اداری و دینی بوده است (پارشاطر، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳) در فارسنامه آمده

^۷ - کوه نوشت: کعبه زردشت

^۸ - بر پشت سکه های اشکانی تصویر خورشید و ماه دیده می شود که

احتمالا نماد مهر و ناهید است (سرفراز، آورزمانی، ۳۸)

برجسته یافت با روی کار آمدن ساسانیان فارس به عنوان یک مرکز مذهبی زردشتی بیش از پیش اهمیت یافت و پادشاهان ساسانی توجه ویژه ای به این ایالت داشتند. انوشیروان آتش آتشکده ری را به آتشکده گور انتقال داد (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱ صص ۴-۶۰۳) ساسانیان اشاعه برداشت جدیدی از دین زردشتی را از فارس آغاز کردند. این آیین در استانهای غربی قرب و منزلتی نیافت (لوکونین، ۱۳۵۰، ص ۱۱۶)؛ اما در فارس تا حد زیادی مورد پذیرش قرار گرفت کما اینکه مردمان فارس تا حدی با این برداشت از دین زردشتی در روزگار فرته داران آشنا بودند. محققان بسیاری به وجود آتشکده های فراوان در فارس اشاره می کنند. این آتشکده ها عامل موثری در وضعیت اقتصادی این ایالت بودند. در اردشیر خوره دو نوع دارایی ملکی یافت می شد یکی املاک شاهی (دولتی) و دیگری املاک آتشکده. شغل و دارایی بسیاری از افراد در فارس در ارتباط با آتشکده بود. همه این افراد ضرورتاً مغ نبودند. در فارس مرکب سیاهی برای نوشتن وجود داشت که از همه مرکبهای دنیا جز مرکب چینی بهتر بود این مرکب از دود آتش آتشکده ها ساخته می شد. (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ص ۶۷) ابن حوقل آتشکده های کاریان، جره و آتشکده بارین در جور را جزو مهمترین آتشکده ها می داند. او همچنین از آتشکده ای در قریه سوکان در شمال شیراز نام می برد که اهمیتی ویژه داشته. در آیین زردشتی اگر زنی حامله یا حیض زنا می کرد برای پاک شدن باید به این آتشکده می رفت و نزد هیربد برهنه می شد تا هیربد با پیشاب گاو پاکش کند. غیر معقول نخواهد بود اگر

بپذیریم که قدرتی که آتشکده به مغان می داد در تمایل آنها به ساخت آتشکده های جدید بی تاثیر نبود. بیشتر چهار طاقیهایی که اکنون در سراسر ایران موجودند بقایای چهار طاقیهایی از دوره ساسانی هستند.^۹ تعداد آنها بسیار زیاد است و غالباً برای عبادت مردمان عادی ساخته شده بودند. شاپور در کتیبه خود در کعبه زردشت می گوید که در سرزمینهای گوناگون چندین آتش بنا نهاده است (هیننگ، ۱۳۲۹، ص ۱۹) باید اقرار کنیم که بطور دقیق و قطعی نمی توانیم فراوانی آتشکده ها در یک ایالت را دلیلی بر اهمیت مذهبی آن ایالت بدانیم؛ اما با این حال توجه داشته باشیم که حدود نیمی از آتشکده های دوره ساسانی که در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده اند در فارس قرار دارند (پازوکی، ۱۳۸۴) استخری (استخری، ۱۳۴۷، ص ۹۰) در مسالک و ممالک می نویسد: هیچ شهری و موضعی از دیار پارس نیست که در آن آتشکده نباشد اما برخی از آتشکده ها از برخی دیگر بزرگتر است و اعتبار بیشتری دارد. جالب است بدانیم که ابن خرداد به (ابن خرداد به، ۱۳۷۱، ص ۱۲) در مسالک و ممالک به استثنای آتشکده شیز در آذربایجان تنها از آتشکده های فارس سخن می گوید و به وجود آتشکده در هیچ منطقه دیگری از ایران اشاره نمی کند. آتشکده استخر در فارس گویا اهمیتی بیش از دیگر آتشکده ها داشته است. کرتیر در کتیبه هایش هنگامی که از ترفیع مرتبه خود سخن می گوید از سرپرستی پرستشگاه آنهاید - اردشیر در استخر به عنوان

^۹ - برخی از این چهار طاقیها در دوره اسلامی ساخته شده اند اما تفکیک دقیق آنها برای ما مقدور نیست.

بالاترین مقام خود سخن می گوید (یار شاطر، ۱۳۸۳، ص ۳۷) مقامی که پیش از او تنها در اختیار شاه بوده است.^{۱۰} آتشکده استخر گویا گذشته از اهمیت مذهبی، اهمیت سیاسی نیز داشته است. علاوه بر آنکه نخستین پادشاهان ساسانی در استخر تاج گذاری کردند، اردشیر سر مخالفان خود در مرو را به فارس فرستاد تا بر در آتشکده استخر آویزان کنند (طبری، ۱۳۶۲، ص ۶۰۴) با این همه این احتمال وجود دارد که در اواخر دوره ساسانی آتشکده های فارس اهمیت نخستین خود را از دست داده باشند. چنانکه خسرو دوم در آتشکده آذر گشنسب در آذربایجان تاجگذاری می کند (کریستن سن، ۱۳۸۴، ص ۱۳۰). از بین سه آتشکده مهمی که ساسانیان داشته اند نزدیکی استخر به تخت جمشید در اهمیت یافتن این آتشکده از طرف شاهان ساسانی بی تاثیر نبود. استخری از آتشکده استخر سخن می گوید؛ اما توصیفی که از آن ارائه می دهد با تخت جمشید مطابقت دارد. می توان تصور کرد که این آتشکده بیش از آنکه اهمیت مذهبی داشته باشد اهمیت سیاسی داشته است. در زمان مقدسی آتشی در آتشکده استخر شعله ور نبوده است. برخی محققان مکان آتشکده استخر را با کعبه زردشت یکی دانسته اند (لوکونین، ۱۳۵۰، ص ۴۵). آتشکده استخر اگر چه حداقل از منظر سیاسی اهمیت زیادی برای ساسانیان داشته اما جزو سه

آتشکده اصلی و مهم ساسانیان نیست. از بین سه آتشکده مهم ساسانی، آتشکده آذرفرنبغ در فارس است (کمالی سروستانی، ۱۳۸۴، ص ۲۳). آتشکده آذرفرنبغ را آتشکده کاریان نیز گفته اند (مسعودی، ۱۳۷۴، صص ۶۰۶ - ۶۰۵) ابن بلخی (ابن بلخی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۶) به غلط مکان این آتشکده را برکه جور دانسته و آن را با آتشکده بارین یکی انگاشته است. اما حدود العالم، کاریان را شهرکی از دارابگرد می داند (میر حسین شاه، ۱۳۷۲، ص ۷۹) کریستن سن مکان آتش آذرفرنبغ را در کاریان فارس می داند. گویا تا قرن ۶ م آتش سایر آتشکده ها را از این آتشکده می برده اند (کریستن سن، ۱۳۸۴، ص ۱۷۶) طبری مکان کاریان را در یک منزلی باختری جویم می داند و از آتشکده ای در آنجا سخن می گوید که آتش مقدس را در آنجا نگه می داشته اند. (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۶۱). اکنون در جغرافیای سیاسی ایران در نزدیکی جویم از توابع شهرستان لار در استان فارس روستایی است به نام کاریان که قلعه ای ویرانه دارد. حدس زده می شود این قلعه بقایای آتشکده کاریان باشد. لار در جغرافیای ایران دوره ساسانی بخشی از کوره دارابگرد بوده است. مسعودی می گوید آتش آتشکده دارابگرد از آتشکده خوارزم به آنجا برده شده بود و زردشتیان این آتش را بیشتر از همه آتوها و آتشکده ها احترام می کنند به غیر از آتشکده دارابگرد مسعودی (مسعودی، ۱۳۷۴، ص ۶۰۵) از آتشکده های ارگان و بیضای فارس نیز نام می برد که قبل از ساسانیان در فارس وجود داشته اند و در دوره ساسانی نیز مورد احترام و استفاده بوده اند. آتشکده شهر گور آتشکده دیگری در ایالت پارس

^{۱۰} در آغاز حکومت ساسانی اردشیر اردشیر تولیت معبد آناهیتای شهر استخر را داشت. بعد از او پسرش شاپور در بیشاپور یک معبد آناهیتا می سازد. بعد از این دو پادشاه دیگر معبد آناهیتا در فارس ساخته نمیشود. ممکن است تحولاتی که در مذهب زردشتی در این دوره رخ داد دلیل این موضوع باشد. از آنجایی که هر دو بنای مذکور جهت عبادت زردشتیان استفاده می شده و در ارتباط با تقدس آتش بوده اند ما این دو بنا را در فهرست آتشکده ها قرار می دهیم

دوره ساسانی است. اهمیت این آتشکده بیشتر از آن جهت است که آن را اردشیر ساخته است اردشیر در نامه ای به اردوان اشکانی از امیدواری اش برای پیروزی بر او و هزینه کردن گنج خانه او در آتشخانه صحبت می کند (طبری، ۱۳۶۲، ص ۶۰۲) این آتشخانه آتشخانه گور است. آناهیتا ایزد مورد احترام زردشتیان در فارس دوره ساسانی جایگاهی برجسته داشته است. او پرستشگاهی در استخر دارد که بابک و اردشیر خدمتگزار آن بوده اند. شاپور نیز در بیشاپور معبد آناهیتا دارد. از بین نقش برجسته های ساسانی ۸ نقش برجسته موضوع تاجگذاری را نشان می دهند. از بین اینها دو نقش برجسته تاج ستانی در کرمانشاه و ۶ نقش برجسته در فارس است؛ یک نقش در شهر گور، یک نقش در بیشاپور، دو نقش در نقش رجب و دو نقش در نقش رستم قرار دارد (واندنبرگ، ۱۳۷۹، صص ۵۴-۳۷) دریایی (دریایی، ۱۳۹۰، ص ۳۲) به اهمیت طاق بستان از نظر مذهبی اشاره می کند. اکنون آیا می توانیم بگوییم که ۶ نقش برجسته تاجگذاری که در فارس پدید آمده اند نشانه ای از اهمیت مذهبی این ایالت در روزگار ساسانی هستند. در صحنه های تاجگیری پارس پادشاهان ساسانی را می بینیم که حلقه قدرت را از اهورامزدا می گیرند. بعلاوه فارس حتی در ابتدای کار ساسانیان از نظر سیاسی در درجه اول اهمیت قرار ندارد. اما سه پادشاه اول این سلسله نقش برجسته های تاج گذاری خود از اهورامزدا را در این ایالت ایجاد کرده اند. می توان احتمال داد که پادشاهان ساسانی برای خوشایند و همراهی موبدان قدرتمند فارس نقشهای خود را در حال گرفتن حلقه قدرت از

اهورا مزدا نشان داده اند تا به این طریق تا جایی که ممکن است از حمایت موبدان بهره ببرند. نرسی در این مورد یک استثنا است. او حلقه قدرت را از آناهیتا می گیرد، این حرکت نرسی را یک تحرک مذهبی - سیاسی در پادشاهی ساسانی دانسته اند، (دریایی، ۱۳۹۰، ص ۳۰). بعید است این رفتار نرسی تاثیری ماندگار بر اوضاع مذهبی گذاشته باشد. اما می توانیم تصور کنیم که در زمان نرسی موبدان فارس در حاشیه قرار گرفته و از قدرت آنها کاسته شده بود. فراوانی آتشکده ها در فارس نشان می دهد که موبدان در این ایالت قدرت بسیار زیادی داشته اند. هنگام فتح پارس به دست اعراب سرپرستی این ایالت را یک هیربد در اختیار داشت (کریستن سن، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱). ابن حوقل هنگامی که از زبان مردم فارس سخن می گوید به زبانی اشاره می کند که کتابهای عجم و شرح وقایع و مکاتبات زردشتیان بدان نوشته می شده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ص ۵۶) ابن حوقل به وجود این زبان در هیچ ایالت دیگری از ایران اشاره نمی کند. علی رغم قدرت فراوان موبدان در فارس آن شکل از آیین زردشتی که ساسانیان و موبدان وابسته به آنها ارائه دهنده آن بودند از طرف تمام دینداران زردشتی فارس مورد قبول قرار نگرفته بود اندیشه های مزدک تحت تاثیر مردی به نام زردشت از اهالی فسا در ایالت فارس بود پیروان این زردشت خود را درست دین می نامیدند. او از نیاکان مزدک بود (دریایی، ۱۳۹۰، ص ۸۵) و مزدک به بازسازی و گسترش اندیشه های او پرداخت. از حضور مسیحیان و عبادتگاههای آنان در فارس شواهد اندکی در دست است. تنها می دانیم

رنگ زردشتیان چندان به چشم نمی آید. در ریو اردشیر در فارس دو کلیسا برپا بود که هر دو با زبانهای ویژه خود یعنی یونانی و سریانی سخن می گفتند (یار شاطر، ۱۳۸۷، ص ۳۷۲) در سال ۴۹۷ م پارس به عنوان یک اسقف نشین عمده مطرح می شود. سال ۴۹۷ م همزمان با پادشاهی جاماسب است (یار شاطر، ۱۳۸۳، ص ۲۷۴). جاماسب برادر قباد است که روحانیت زردشتی او را به جای قباد که در زندان فراموشی زندانی اش کرده بودند به تخت نشانندند. جرم قباد تمایل به مزدک و دفاع از اندیشه های او بود که یک نوع برابری اجتماعی را تبلیغ می کرد. این برابری اجتماعی به مذاق روحانیت زردشتی که چنان قدرت یافته بود که حتی می توانست به عزل و نصب شاه پردازد، خوش نیامد. بیهوده نیست اگر بگوییم روحانیت فرصت طلب زردشتی برای جلوگیری از نفوذ مزدک اجازه وجود اسقف نشین مسیحی در فارس را داده باشد. بعلاوه از یاد نبریم هنگام بالا گرفتن کار مزدک، روحانیت مسیحی و زردشتی در اقدامی نادر با هم متحد شدند تا مزدک را از بین ببرند (کریستین سن، ۱۳۸۴، ص ۲۵۳) در متون تاریخی صدر اسلام از حضور کلیسای مسیحی در فارس دوره ساسانی سخنی به میان نیامده است. تنها مسعودی (مسعودی، ۱۳۷۴، ص ۶۰۵) از نانهایی سخن می گوید که مریم مقدس به سه ایرانی داد که هنگام تولد مسیح به دیدن او رفته بودند. این فرستادگان نان را در فارس در زیر سنگی نهادند و آنگاه در جستجوی آن زمین را تا روی آب بشکافتند و آن را بیافتند که چون دو شعله آتش بر روی زمین فروزان بود. آنجا مکانی به نام آب آتش می شود که

که شاپور دوم هنگامی که با مسیحیان وارد جنگ شده بود مسیحیان را از مرزهای فارس و خوزستان عقب نشاند. شهر دارابگرد در سال ۴۲۴ م قلمرو اسقفی مسیحیان نستوری بود (یار شاطر، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳)، خارک یک اسقف نشین مسیحی است. ابن حوقل خارک را بخشی از اردشیر خوره می داند (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ص ۵۱). ایالت پارس از نظر جغرافیایی بر سر راههای مهم کاروانرو قرار داشته و استخر به عنوان شهر داد و ستد ایرانیان معرفی شده است (یار شاطر، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳) اکنون باید بیندیشیم تاجرانی که مذهبی غیر از زردشت داشتند و حتی شاید مسیحی بودند در صورتی که قصد اقامتی نسبتاً طولانی در ایالت پارس را داشتند برای انجام اعمال مذهبی خود چه می کردند؟ بعلاوه می دانیم که شاپور اول در جنگهایی که با رومیان داشت اسیران بسیاری را با خود به بیشاپور آورد. شاپور در بیشاپور قصر و یا زندانی مخصوص والرین ساخته است. گدار (گدار و دیگران ۱۳۷۱، ص ۶۱) چهار طاقی جره را بقایای کلیسایی از دوره ساسانی می داند^{۱۱}. علاوه بر بیشاپور تعداد زیادی از اسیران رومی شاپور که مسیحی بودند در شهر ریو اردشیر (ریشهر) در ایالت پارس دوره ساسانی اسکان داده شده بودند (در اواخر دوره ساسانی اسقف نستوری این شهر کارهای کلیسایی هند و فراسوی آن را اداره می کرد) همین اشاره کوتاه کافی است که فکر کنیم اقلیت های مذهبی در فارس دوره ساسانی وجود داشته اند. هرچند حضور کم رنگ آنها در مقابل حضور پر

^{۱۱} این چهار طاقی اکنون بر سر راه کازرون به فیروز آباد قرار گرفته و از بیشاپور ساسانی دور نیست.

بر سر آن معبدی ساخته اند. مسعودی درباره مکان دقیق این معبد اطلاعی به دست نمی دهد.

نتیجه گیری

در تقسیم بندی جغرافیایی دولت ساسانی پارس در جنوب ایران جزو کوست نیمروز قرار می گیرد. فارس زادبوم ساسانیان است. آیین زردشتی قبل از ساسانیان نیز در این ایالت از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. ساسانیان برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خویش نیازمند ارائه برداشتی جدید از آیین زردشتی بودند. آنان اشاعه این برداشت جدید از مذهب را از ایالت پارس آغاز کردند. نوآوری های اردشیر در آیین زردشتی از طرف بخش زیادی از مردم فارس مورد پذیرش قرار می گیرد. حال آنکه در نواحی غربی ایران چنین اتفاقی رخ نمی دهد. بیهوده نیست اگر بگوییم بخش زیادی از نوآوری های اردشیر در آیین زردشتی نبوغ شخصی او و یا موبدان همراهش نبوده بلکه آیینی بوده که در روزگار فرته داران نیز وجود داشته است. به هر حال تلاشهای مذهبی اردشیر سبب شد که مغان و بویژه مغان پارس در یک جایگاه برتر قرار گیرند؛ هرچند مغان همواره در ایران - به جز موارد استثنایی - اهمیت و اعتبار داشته اند. آتشکده های متعددی که در دوره ساسانی در فارس ساخته شد سبب گردید که مغان بسیاری به کار گمارده شوند. ثروت آتشکده های فارس، ثروت و قدرت مغان فارس را در پی داشت. آنان برای حفظ قدرت و اعتبار خود از حکومت ساسانی پشتیبانی می کردند. این پشتیبانی تا پایان حکومت ساسانی ادامه یافت. فراوانی آتشکده

ها و تبلیغات مغان و نیز مراسم مذهبی متفاوتی که در این آتشکده ها برگزار می گردید. باعث تقویت گونه ای از تعصب دینی زردشتی در بین مردمان فارس شد. بعید نیست که بخشی از جمعیت فارس از نظر اقتصادی به آتشکده ها وابسته باشند. تمام این عوامل باعث شد که فارس به عنوان مرکز روحانیت متعصب زردشتی مطرح شود. عامه مردم فارس در این دوره مذهب زردشتی دارند اما این بدان معنی نیست که هیچ اقلیتی در فارس وجود نداشته باشد. فارس حتی بعد از دوره اسلامی هم همچنان به عنوان یک مرکز زردشتی مورد توجه بود هرچند سختگیری مسلمانان از آزادی مذهبی زردشتیان فارس کاسته بود. اکنون در استان یزد ایران تعداد زیادی از زردشتیان زندگی می کنند این منطقه در دوره ساسانی به عنوان بخشی از ایالت پارس بود. زردشتیانی که برداشت جدید از دین خود را نپذیرفته بودند نیز در فارس حضور داشتند؛ اما آنان در اقلیت بوده و از آزارهای حکومت مرکزی در امان نماندند، مزدک تحت نفوذ آموزه های این گروه از زردشتیان بود. موقعیت جغرافیایی ویژه فارس سبب شده بود که اقلیتهای مسیحی و به میزان کمتر یهودیان نیز در این ایالت حضور داشته باشند. موقعیت مسیحیان در فارس متأثر از اتفاقات سیاسی و مذهبی بود. بعد از جریان مزدک مسیحیان آزادی عمل بیشتری در فارس پیدا کردند و حتی اسقف نشینهای مسیحی در فارس پدید آمد. نگرانی ساسانیان از بروز فرقه هایی نظیر مزدک (که ریشه در آموزه های زردشتی قبل از ساسانیان داشت) سبب شد که آنان به مسیحیان آزادی بیشتری دهند.

منابع

- ۱۲- رجبی، پرویز، ۱۳۵۰، "کرتیر و سنگنبشته او در کعبه زردشت"، مجله بررسیهای تاریخی، شماره مخصوص.
- ۱۳- سرفراز، علی اکبر و آور زمانی، فریدون، ۱۳۷۹، سکه های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۴- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۶۲، تاریخ طبری، ج ۲، مترجم ابوالقاسم پاینده تهران، انتشارات اساطیر.
- ۱۵- فردوسی، شاهنامه، تصحیح ژول مل، ۱۳۷۷، با مقدمه سیاوش آگاه، ج ۲، انتشارات نغمه، تهران.
- ۱۶- کریستین سن، آرتور. ۱۳۸۴، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، صدای معاصر
- ۱۷- کمالی سروستانی، کورش، ۱۳۸۴، دانشنامه آثار تاریخی فارس، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۱۸- گدار، آندره و دیگران، ۱۳۷۱، آثار ایران ج ۲، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس
- ۱۹- گیرشمن، رومن. ۱۳۹۰، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه دکتر محمد معین، تهران، انتشارات نگاه.
- ۲۰- لوکونین. و. گ.، ۱۳۵۰، تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت الله رضا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۱- مسعودی، علی بن حسین. ۱۳۷۴، مروج الذهب، مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۲- مقدسی، محمد بن احمد. ۱۳۶۱. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- ۱- ابن بلخی، ۱۳۷۴، فارسنامه به کوشش دکتر منصور رستگار فسایی، شیراز، انتشارات بنیاد فارس شناسی.
- ۲- ابن حوقل، محمد، ۱۳۴۵، صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۳- استخری، ابواسحاق ابراهیم، ۱۳۴۷، المسالک و الممالک، به کوشش ایرج افشار و تحت نظر احسان یار شاطر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۴- ابن عبدالله، عبید الله (ابن خرداد به)، ۱۳۷۱، المسالک و الممالک، مترجم سعید خاکنند، تهران: انتشارات میراث ملل.
- ۵- ابن فقیه، احمد بن محمد، ۱۳۷۹، مختصر البلدان، ترجمه ح مسعود، (ترجمه مختصر محمد رضا حکیمی)، انتشارات بنیاد فرهنگ، تهران.
- ۶- اسدی، احمد علی. (۱۳۹۱) تکامل اجتماعی و اقتصادی ناحیه فارس در دوره ساسانی بر پایه پژوهشهای باستان شناسی. دانشگاه تربیت مدرس
- ۷- امیری، سید رزاق، ۱۳۹۱، پارسه (تاریخ فارس، شهرها و روستاهای آن) ج ۱، شیراز، انتشارات نوید.
- ۸- بارتولد، و. ۱۳۰۸، جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سر داد ور، تهران، چاپخانه اتحادیه.
- ۹- پازوکی، ناصر، ۱۳۸۴، شادمهر، عبدالکریم، آثار ثبت شده ایران در فهرست آثار ملی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- ۱۰- دریایی، تورج، ۱۳۸۷، تاریخ و فرهنگ ساسانی، تهران، انتشارات ققنوس.
- ۱۱- دریایی، تورج، ۱۳۹۰، شاهنشاهی ساسانی، تهران، انتشارات ققنوس.

۲۳- میر حسین شاه، ۱۳۷۲، حدود العالم من المشرق الى المغرب (نویسنده نا مشخص) مترجم: میرحسین شاه، ترجمه فارسی مریم میر احمدی، تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا .

۲۴- وندایی، میلاد. تاجبخش، رویا. ۱۳۹۳، "اردشیر خوره پایتخت مذهبی ساسانیان"، دو فصلنامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی، ویژه نامه آتشکده ها و آتشگاه های ایران، صص ۴۲-۱۰.

۲۵- واندنبرگ، لویی. ۱۳۷۹، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۲۶- هنینگ، و.پ. "کتیبه های پهلوی"، ترجمه محمد معین، مجله یغما شماره ۶، شهریور ۱۳۲۹،

۲۷- یارشاطر، احسان. ۱۳۸۳، تاریخ ایران: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ترجمه حسن انوشه، ج سوم قسمت اول. تهران، انتشارات امیر کبیر.

۲۸- -----، ۱۳۸۷، تاریخ ایران: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ترجمه حسن انوشه، ج سوم، قسمت دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر.

29-Tahmasbi ,Ehsan.2012."The architecture and status of Iranian temple in the sasanian era",Sasanika archaeology ,11,pp,1-11.